

برای آشنایی با این مغالطه، اول لازمه سه شرط از شرایط تعریف صحیح یعنی واضح بودن، جامع بودن و مانع بودن را بشناسیم.

این شرایط تعریف، اغلب در مورد تعریف های مفهومی سنجیده میشن ولی میتونی برای تعریف های لغوی و مصداقی هم بررسی شون کنی!

خب بریم شرایط رو بررسی کنیم. هر کدوم از این شرط ها رو رعایت نکنیم، در واقع دچار مغالطه تعریف غلط شدیم.

### ۱. واضح بودن

کلا صدبار گفتیم که هدفمون از تعریف کردن، روشن کردن یه مفهوم مجهوله. حالا اگه یه تعریفی ارائه بدیم که این کار رو برامون انجام نداده باشه، کلا رو هواست دیگه.

حالا اینکه چی کار کنیم یا چی کار نکنیم که تعریفمون واضح باشه رو اینجا برات کامل باز می کنم.

(۱) باید از واژه های آشنا برای مخاطب استفاده کنیم (یعنی از معلومات مخاطب استفاده کنیم در تعریف، نه معلومات خودمون) تا تعریف واضح و قابل فهم باشه.

(۲) نباید از کلمه هایی استفاده کنیم که درکشون برای مخاطب دشوارتر از مفهوم مجهول باشه (یعنی نباید از کلمه های غیر متداول و به اصطلاح قلمبه سلمبه استفاده کنیم) = مبهم و نامانوس

(۳) نباید از کلمه هایی استفاده کنیم که مخاطبمون رو به اشتباه بندازه (یعنی از مشترک لفظی، دلالت های مختلف یه کلمه بدون قرینه (ایهام و استعاره)، مفاهیم نسبی و... استفاده نکنیم).

اگه دقت کنی می بینی توو این شرط ما همه ش همه چیز رو داریم ربط می دیم به مخاطب؛ پس این شرط یه شرط نسبیست؛ یعنی یه تعریف برای یه نفر می تونه واضح باشه و میتونه برای فرد دیگه واضح نباشه. (به جز مورد سوم که همیشه واضح نیست).

فقط یه نکته رو بگم بعد برم سراغ شرط های بعدی اونم اینکه:

اگه یه استعاره یا ایهام یا هر چیز دیگه ای اینقدر پرکاربرد بود که دیگه هر کس معنی ش رو می فهمید، بازم طبق قرارداد اون رو فاقد شرط واضح بودن می دونیم.

### ۲ و ۳. جامع و مانع بودن

اول این دو عزیز رو من برات تعریف می کنم بعد میرم سراغ نکته هاش و حواشی.

جامع بودن یه تعریف یعنی اینکه اون تعریفی که برای مخاطبمون از یه مفهوم مجهول انجام دادیم، تو عالم واقعیت هم درست باشه؛ یعنی تعریف ما، همه مصداق ها / افراد / نمونه های اون مفهوم مجهول

در عالم واقعیت رو در بر بگیرد و شامل همه بشه؛ یعنی مثلا اگه شما مفهوم پراید رو برای مخاطبت تعریف کردی، تعریف جوری باشه که هر چی پراید توو عالم هست، توو تعریف جا بشه.

مانع بودن به تعریف یعنی اینکه اون تعریفی که برای مخاطبمون از به مفهوم مجهول انجام می‌دیم، توو عالم واقعیت درست باشه؛ یعنی تعریف ما، **مصدق / فرد / نمونه ای بیشتر** از اون مفهوم مجهول رو توو عالم واقعیت شامل نشه؛ مثلا اگه شما مفهوم پراید رو برای مخاطبت تعریف کردی، به جوری نباشه که اگه طرف به بنز تو خیابون دید، فکر کنه پرایده. (در این صورت مغالطه داریم، مغالطه تعریف غلط).

**حالا این دو تا شرط رو بذار کنار هم؛ یعنی به تعریف هم باید جامع باشه هم باید مانع باشه.** یعنی هم باید همه مصداق‌های مفهوم، مجهول رو در بر بگیرد هم مصداق اضافه‌تر از اون رو در بر نگیرد. خب دیگه الان فهمیدی که جمع این دو تا، یعنی تعریف و مفهوم مجهول باید نسبتشون تساوی باشه.

### حالا بیا با من بریم سراغ نکات جامع و مانع:

(۱) چطوری جامع و مانع بودن به تعریف رو تشخیص بدیم؟!

کاری نداره که! اول بیا توی اون عبارتی که بهت دادن مفهوم مجهول و تعریف رو تشخیص بده بعد بیا با این دو تا مفهوم، دو تا سؤال درست کن و بر اساس واقعیت (با همه استثناهاش) بهشون جواب بده.

۱. آیا هر مجهولی تعریف است؟ بله = جامع هست / نه = جامع نیست

۲. آیا هر تعریفی مجهول است؟ بله = مانع هست / نه = مانع نیست

ببین هر سؤالی که نیاز به تشخیص جامع و مانع داشته باشه، با این روش حل میشه؛ با این روش راحت می‌تونیم وجود یا عدم وجود مغالطه رو تشخیص بدیم. اگه جامع یا مانع یا هر دو تاش نبود، مغالطه داریم در غیر این صورت اگر هر دو جامع و مانع بودن تعریف درسته.

(۲) ممکنه توو بعضی از تستها جای جامع و مانع کلمه‌های عام (اعم) و خاص (اخص) رو ببینی. می‌خوام اینجا بهت یاد بدم چطوری اینا رو به هم تبدیل کنی. ببین بستگی داره این عام و خاص برای مفهوم مجهول به کار رفته یا برای تعریف. اگه برای تعریف باشه (یعنی پیرسه تعریف عامه و خاصه)، جای جامع بذار خاص (یا اخص) و جای مانع بذار عام (یا اعم) منفی و مثبت فعل رو هم عوض کن؛ یعنی

جامع هست = اخص نیست. / جامع نیست = اخص هست.

مانع هست = اعم نیست. / مانع نیست = اعم هست.

ولی اگه برای مفهوم مجهول باشه (این خیلی کاربرد نداره توو تستا. خدایی فقط به طراح نامرد از اینا طرح می‌کنه)، فقط جای جامع بذار خاص و جای مانع بذار عام همین. (البته این قاعده فقط توو رابطه مطلق درسته که بیشتر از این هم سؤال نمیدانم تازه اگه همین بیاد).

۳) حواست باشه که توو جامع و مانع دربارہ مصداق همیشه حرف می زنیم اما ممکنه یه درصد یه سؤال بهت بدن بگن اگه توو تعریف، تعریف همه مفهوم مجهول رو در بر نگرفته بود، اینجا باید چیکار کنیم؟

خب می دونی که مفهوم هر مجهولی دو بخش داره؛ بخش عام و بخش خاص (این رو از تعریف مفهومی یاد گرفتیم). اگه همه مفهوم رو در بر نگیره، یا بخش عام رو نداره یا بخش خاص رو نداره. اگه عام رو نداشته باشه و خاص رو داشته باشه (مثلا توو تعریف مثلث بگه سه ضلعی)، هم جامع میشه هم مانع؛ چون نسبت خاص با مجهول تساویه. اگه عام رو داشته باشه خاص رو نداشته باشه (مثلا توو تعریف مثلث بگه شکل)، اینجوری جامع هست ولی مانع نیست؛ چون مجهول کوچکتر از تعریفه.

### بریم و دو سه تا مثال ببینیم:

**مثال اول:** تعریف مثلث به «شکلی که دارای سه ضلع مساوی است»

#### بررسی مثال:

مغالطه تعریف غلط دارد، چون جامع نیست و شامل برخی از انواع مثلث مانند مثلث قائم الزاویه نمی شود.

**مثال دوم:** تعریف مستطیل به «شکلی با چهار ضلع که دو به دو موازی هستند».

#### بررسی مثال:

مغالطه تعریف غلط دارد، چون مانع نیست و تنها شامل انواع مستطیل نمی شود و بر لوزی نیز صدق می کند.

**مثال سوم:** قیمتی: ثمین

#### بررسی مثال:

مغالطه تعریف غلط دارد، چون «ثمین» نامأنوس و ناشناخته تر از «قیمتی» است.

### حالا وقت تسته!

تعریف «تعریف لغوی» به تعریف «با استفاده از لغات مترادف» و تعریف تعریف مفهومی به «تعریف حدی و رسمی» به ترتیب چه مشکلاتی دارند؟

(۱) مانع نیست - از الفاظ نامأنوس استفاده شده

(۲) جامع نیست - واضح نیست

(۳) فقط مانع است - دوری است

(۴) نه جامع است و نه مانع - مشکلی ندارد

پاسخ: گزینه ۲

در تعریف لغوی علاوه بر لغات مترادف میتوان از لغات آشنا برای شنونده استفاده کرد و از معنای لغوی یا نحوه شکل گیری لغوی مفهوم مورد نظر سخن گفت؛ بنابراین تعریف مذکور از تعریف لفظی مانع است، اما جامع نیست. همچنین فهم تعریف مذکور تعریف مفهومی، نیازمند مطالعه بیشتر علم منطق است و به این ترتیب می توان گفت واضح نیست.